



The Place of Artificial Intelligence in Crime Production: A Jurisprudential Study of Secondary Crimes

Seyedeh Khadijeh Rezvani Divkalaei¹, Mehdi Mohammadian Amiri^{2*}, Mohammad Ali Kheirollahi¹, Seyyed Mohammad Hosseini³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Law, Bab.C., Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 28-39

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-7521-2636

TELL: +989111145624

Email: mrmyaali@iaua.ac.ir

Article history:

Received: 25 Dec 2025

Revised: 10 Jan 2026

Accepted: 05 Feb 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Artificial Intelligence, Crime Production, Secondary Crimes.

ABSTRACT

With the advancement of artificial intelligence and its role in content production and decision-making, the possibility of secondary crimes arising from the operation of these systems has increased. This creates new challenges in the field of criminal liability. The fundamental question is who or who bears criminal liability in the event of a secondary crime committed by artificial intelligence? Can the creator, programmer, user, or artificial intelligence itself be held liable? Given the jurisprudential foundations of liability, a jurisprudential examination of the role of artificial intelligence in producing crime is necessary. This research shows that artificial intelligence lacks legal personality and responsibility lies with developers, franchisees, and users. The complexity of algorithms and lack of transparency make accountability difficult and require a review of the laws. The user's liability is determined based on numerous jurisprudential rules and is required to comply with the criteria for using artificial intelligence, otherwise he or she will be criminally liable. This liability includes malice, recklessness, and negligence in the use of artificial intelligence and requires legal, technical, educational, and international solutions to prevent crimes.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Rezvani Divkalaei, S. Kh; Mohammadian Amiri, M; Kheirollahi, M. A & Hosseini, S. M (2026). "The Place of Artificial Intelligence in Crime Production: A Jurisprudential Study of Secondary Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(3): 28-39.



دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

جایگاه هوش مصنوعی در تولید جرم: بررسی فقهی جرائم ثانویه

سیده خدیجه رضوانی دیوکلائی^۱، مهدی محمدیان امیری^{۲*}، محمدعلی خیرالهی^۱، سید محمد حسینی^۲

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

با پیشرفت هوش مصنوعی و نقش آن در تولید محتوا و تصمیم‌گیری، امکان وقوع جرائم ثانویه ناشی از عملکرد این سیستم‌ها افزایش یافته است. این امر، چالش‌های جدیدی را در زمینه مسؤولیت کیفری ایجاد می‌کند. سؤال اساسی این است که در صورت وقوع جرم ثانویه توسط هوش مصنوعی، مسؤولیت کیفری بر عهده چه کسی یا کسانی است؟ آیا می‌توان سازنده، برنامه‌نویس، کاربر یا خود هوش مصنوعی را مسؤول دانست؟ با توجه به مبانی فقهی مسؤولیت، بررسی فقهی نقش هوش مصنوعی در تولید جرم ضروری است. این تحقیق نشان می‌دهد هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی بوده و مسؤولیت بر عهده توسعه‌دهندگان، صاحبان امتیاز و کاربران است. پیچیدگی الگوریتم‌ها و عدم شفافیت، مسؤولیت‌پذیری را دشوار ساخته و نیازمند بازنگری قوانین است. مسؤولیت کاربر بر اساس قواعد فقهی متعددی تعیین می‌شود و ملزم به رعایت ضوابط در بهره‌برداری از هوش مصنوعی است، در غیر این صورت مسؤولیت کیفری خواهد داشت. این مسؤولیت شامل سوءنیت، بی‌احتیاطی و غفلت در استفاده از هوش مصنوعی می‌شود و نیازمند راهکارهای قانونی، فنی، آموزشی و بین‌المللی برای پیشگیری از جرائم است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸-۳۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۶۳۶-۷۵۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۴۵۶۲۴

ایمیل: mrmyaali@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

هوش مصنوعی، تولید جرم، جرائم ثانویه.



مقدمه

هوش مصنوعی (AI) به عنوان یکی از پیشرفت‌های شگرف قرن حاضر، به سرعت در حال نفوذ به جنبه‌های مختلف زندگی بشر است. از صنایع تولیدی و خدماتی گرفته تا حوزه‌های پزشکی، آموزشی و حتی هنری، ردپای هوش مصنوعی به وضوح قابل مشاهده است. این فناوری نوین، با ارائه راهکارهای کارآمد و نوآورانه، فرصت‌های بی‌شماری را برای بهبود کیفیت زندگی و افزایش بهره‌وری فراهم آورده است. با این حال، در کنار مزایای فراوان، هوش مصنوعی چالش‌ها و نگرانی‌های جدیدی را نیز به همراه دارد که نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه است.

یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، مسأله مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال اعمال و تصمیمات هوش مصنوعی است. با گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه‌های حساس و حیاتی، این سؤال مطرح می‌شود که در صورت بروز خطا یا وقوع جرم توسط یک سیستم هوشمند، چه کسی مسئول خواهد بود؟ آیا می‌توان هوش مصنوعی را به عنوان فاعل جرم شناخت و مجازات کرد؟ یا اینکه مسئولیت متوجه طراح، برنامه‌نویس، تولیدکننده یا کاربر آن خواهد بود؟

مفهوم «جرائم ثانویه» که ناشی از عملکرد هوش مصنوعی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. این جرائم به طور مستقیم توسط هوش مصنوعی رخ نمی‌دهند، بلکه نتیجه‌ی تصمیمات، عملکرد یا خروجی‌های آن هستند. برای مثال، اگر یک سیستم هوشمند تشخیص چهره به اشتباه فردی را شناسایی کند و این اشتباه منجر به دستگیری و بازداشت بی‌گناه او توسط پلیس شود، جرم ثانویه در اینجا «ارائه اطلاعات نادرست به پلیس توسط سیستم هوش مصنوعی» است. این اطلاعات نادرست، پلیس را به ارتکاب جرم اصلی، یعنی بازداشت غیرقانونی، سوق داده است. در واقع، ریشه‌ی این بازداشت غیرقانونی در خطای سیستم هوش مصنوعی قرار دارد.

بررسی فقهی جرائم ثانویه ناشی از هوش مصنوعی، از جمله موضوعات نوظهوری است که نیازمند توجه ویژه است. فقه اسلامی، به عنوان یک نظام حقوقی جامع و پویا، ظرفیت ارائه راهکارهای مناسب برای حل مسائل جدید را داراست. با این

حال، برای انطباق احکام فقهی با چالش‌های ناشی از هوش مصنوعی، لازم است تا ابعاد مختلف این فناوری به دقت مورد بررسی قرار گیرد و مفاهیم فقهی مرتبط با مسئولیت، تقصیر و ضمان، با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص هوش مصنوعی، بازخوانی و تفسیر شوند. در این راستا، تحقیق حاضر به بررسی جایگاه هوش مصنوعی در تولید جرم، با تمرکز بر جرائم ثانویه، از منظر فقهی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، پاسخ به این سؤال اساسی است که مسئولیت کیفری ناشی از جرائم ثانویه تولید شده توسط هوش مصنوعی، بر عهده چه کسی یا کسانی است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا به بررسی مفهوم هوش مصنوعی و مصادیق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی خواهیم پرداخت. سپس، با استناد به ادله‌ی فقهی، به تحلیل مسئولیت کیفری در جرائم ثانویه ناشی از هوش مصنوعی پرداخته می‌شود.

۱- مفهوم هوش مصنوعی

برای درک مفهوم هوش مصنوعی، ابتدا باید به واژه‌های «هوش» و «مصنوعی» به طور جداگانه پرداخت. هوش، در لغت‌نامه بریتانیکا، «توانایی سازگاری مؤثر با محیط» تعریف شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶) و در اصطلاح، به معنای زیرکی و فهم است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۷۳۴). در مقابل، مصنوعی، به معنای محصول دست‌ساز بشر است (معلوف، ۱۳۶۴: ۱۱۵).

هوش مصنوعی، فاقد تعریفی واحد بوده، عموماً به دستاوردهای علمی در شبیه‌سازی رفتارهای هوشمندانه انسانی اطلاق می‌گردد؛ علت عدم توافق بر سر تعریف واحد، گستردگی معنای هوش است، چراکه هوشمندی انسانی شامل توانایی‌هایی چون استدلال و درک روابط علت و معلولی بوده و بر این اساس، ماشین هوشمند، ماشینی با توانایی تفکر مشابه انسان تلقی می‌شود. هوش مصنوعی به سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که توانایی واکنش‌هایی مشابه رفتار هوشمند انسانی دارند و می‌توانند شرایط پیچیده را درک کنند. این حوزه، تلاقی علوم مختلفی است. تعاریف هوش مصنوعی را می‌توان در دو رویکرد عمده طبقه‌بندی کرد: هوش مصنوعی ضعیف یا محدود و هوش مصنوعی عمومی یا قوی. رویکرد قوی به دنبال تولید

مگر اینکه در اصلاحات قانونی، با توجه به محتوای دیپفیک، آن را در حکم جعل فرض نمود و جرم‌انگاری کرد (شیری، ۱۴۰۱: ۲). فناوری هوش مصنوعی می‌تواند برای انتشار اخبار جعلی، تخریب شخصیت افراد، کلاهبرداری‌های مالی و حتی ایجاد بحران‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند در جعل اسناد، مدارک شناسایی و امضای دیجیتال نیز به کار گرفته شود و تشخیص اصالت آن‌ها را دشوار سازد.

۲-۲- نقض حریم خصوصی

سیستم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه آن‌هایی که از داده‌های بزرگ استفاده می‌کنند، می‌توانند حجم عظیمی از اطلاعات شخصی افراد را جمع‌آوری، پردازش و تحلیل کنند. این اطلاعات می‌تواند شامل اطلاعات هویتی، اطلاعات مالی، اطلاعات پزشکی، اطلاعات مکانی و اطلاعات رفتاری باشد. سوءاستفاده از این اطلاعات می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی افراد، تبعیض، آزار و اذیت و حتی سرقت هویت شود. به‌عنوان مثال، یک شرکت بیمه ممکن است از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط یک سیستم هوشمند برای تعیین نرخ بیمه بالاتر برای افرادی که در معرض خطر بیشتری قرار دارند، استفاده کند.

۲-۳- حملات سایبری

هوش مصنوعی می‌تواند در حملات سایبری به شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند برای شناسایی آسیب‌پذیری‌های امنیتی در سیستم‌های کامپیوتری و شبکه‌ها مورد استفاده قرار گیرند. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند برای ایجاد بدافزارهای پیچیده‌تر و مقاوم‌تر در برابر شناسایی و حذف مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند برای انجام حملات فیشینگ هدفمندتر و متقاعدکننده‌تر مورد استفاده قرار گیرد و احتمال موفقیت این حملات را افزایش دهد.

۲-۴- جرائم مرتبط با خودروهای خودران

با گسترش استفاده از خودروهای خودران، جرائم جدیدی نیز در این حوزه ظهور کرده‌اند. به‌عنوان مثال، یک هکر می‌تواند

ماشینی با تمام توانمندی‌های هوش انسانی است، درحالی‌که رویکرد ضعیف تنها به کارکردهای مشابه در برخی زمینه‌ها اکتفا می‌کند؛ به عبارت دیگر، هوش مصنوعی ضعیف به معنای وادار کردن رایانه‌ها به انجام کارهایی است که انسان‌ها در حال حاضر بهتر از آن‌ها انجام می‌دهند (سرآبادانی، ۱۳۹۷: ۱۱). هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلفی مانند مهندسی، پزشکی و اقتصاد کاربرد دارد و توانسته برنامه‌هایی برای حل مسائل ریاضی و شناسایی تقلب‌های مالی تولید کند. این حوزه در زیرشاخه‌های متعددی مانند یادگیری ماشین و رباتیک تحقیق و توسعه می‌شود (بیلی ویتابی، ۱۳۹۶: ۹۶).

۲-۲- مصادیق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی

جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند به اشکال مختلفی ظاهر شوند، در این بخش، به بررسی و تحلیل برخی از مهم‌ترین مصادیق این جرائم می‌پردازیم:

۲-۱- جعل و تقلب

هوش مصنوعی می‌تواند در جعل و تقلب به شیوه‌هایی بسیار پیچیده‌تر و متقاعدکننده‌تر از روش‌های سنتی مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، الگوریتم‌های "دیپفیک" قادرند تصاویر و ویدیوهای جعلی بسیار واقعی تولید کنند که تشخیص آن‌ها از نمونه‌های اصلی تقریباً غیرممکن است. دیپفیک، مرکب از دو واژه «Deep» یعنی ژرف، عمیق، عمقی یا Deep Learning به معنای یادگیری عمیق و «Fake» به معنای غیرواقعی، وارونه، دروغین، تقلبی و جعلی است. واژه Deep در مقابل واژه Shallow به معنای کم‌عمق و سطحی به کار گرفته شده است تا نشان دهد، دیپفیک‌ها را به سادگی نمی‌توان از سایر تصاویر غیرواقعی تشخیص داد. سایر تصاویر غیرواقعی که از فناوری هوش مصنوعی استفاده نمی‌کنند، به‌راحتی قابل تشخیص از تصاویر واقعی هستند، لذا به آن‌ها فیک‌های سطحی یا ارزان «Cheep Fakes» گفته می‌شود. معادل فارسی دقیقی برای دیپفیک نمی‌توان در نظر گرفت. نزدیک‌ترین معادل برای آن، همانندسازی صوتی تصویری غیرواقعی است. معادل‌های «جعل عمیق» یا «جعل عمقی» با توجه به مقررات قانونی مربوط به جعل در ایران، با مفهوم دیپفیک سازگاری ندارد و نمی‌توان آن را معادل دقیقی دانست.

مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اصطلاح سازمان‌های اطلاعاتی، گزاره «باز» به معنای آشکار و در دسترس همگان بوده و در مقابل منابع پنهان یا مخفیانه قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که اطلاعات منبع آشکار، ارتباطی با اطلاعات اشتراکی یا نرم‌افزار منبع باز ندارد (فریمن و همکاران، ۱۴۰۳: ۸). توسعه سلاح‌های خودکار که قادرند بدون دخالت انسان اهداف خود را شناسایی و نابود کنند، نگرانی‌های جدی را در مورد احتمال وقوع جرائم جنگی و نقض حقوق بشر ایجاد کرده است. این سلاح‌ها می‌توانند به‌طور ناخواسته غیرنظامیان را هدف قرار دهند، یا در دست گروه‌های تروریستی و جنایتکاران قرار گیرند و برای انجام اعمال خشونت‌آمیز مورد استفاده قرار گیرند. موارد فوق تنها نمونه‌هایی از جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی هستند. با پیشرفت روزافزون این فناوری، انتظار می‌رود که انواع جدیدی از جرائم نیز ظهور کنند. در نتیجه، به‌رغم اینکه فناوری هوش مصنوعی توانسته است نوآوری‌های بزرگی را در عرصه‌های مختلف ایجاد کند، اما در کنار آن، خطرات و تهدیدهای حقوقی و کیفری نیز رخ نموده است که نیازمند پاسخگویی جامع، مستمر و به‌روز است. بنابراین در ادامه به این چالش اصلی خواهیم پرداخت که اگر در هنگام استفاده از هوش مصنوعی، جرمی محقق گردد، چه کسی مسئولیت آن را بر عهده گیرد؟

۳- تحلیل مسئولیت کیفری در جرائم ثانویه ناشی از هوش مصنوعی

برای تحلیل دقیق و عادلانه‌ی مسئولیت کیفری در چنین جرائمی، ضروری است که دو محور اساسی مورد بررسی قرار گیرند: نخست، مسئولیت‌سنجی هوش مصنوعی در تحقق جرائم مبتنی بر این فناوری، به این معنا که میزان نقش و تأثیر الگوریتم‌ها و سیستم‌های هوشمند در وقوع جرم مشخص شود؛ و دوم، مسئولیت‌سنجی کاربر در تحقق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی. این دو محور، با پیوندی ناگسستنی، چارچوبی جامع برای تحلیل مسئولیت کیفری در جرائم ثانویه ناشی از هوش مصنوعی فراهم می‌آورند.

با نفوذ به سیستم کنترل یک خودروی خودران، آن را از راه دور کنترل کرده و برای انجام اعمال مجرمانه مانند سرقت، آدم‌ربایی یا حتی حمله تروریستی مورد استفاده قرار دهد. همچنین، در صورت وقوع تصادف توسط یک خودروی خودران، تعیین مسئولیت کیفری و مدنی می‌تواند بسیار پیچیده باشد. آیا مسئولیت متوجه مالک خودرو، سازنده خودرو، برنامه‌نویس سیستم کنترل یا خود سیستم هوش مصنوعی خواهد بود؟

۵-۲- جرائم تبعیض‌آمیز

الگوریتم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه آن‌هایی که بر اساس داده‌های تاریخی آموزش داده شده‌اند، می‌توانند ناخواسته تبعیض‌های موجود در جامعه را بازتولید و تقویت کنند. به‌عنوان مثال، یک سیستم هوشمند استخدام ممکن است به‌طور ناخودآگاه متقاضیان زن یا اقلیت‌های قومی را رد کند، حتی اگر آن‌ها صلاحیت‌های لازم را داشته باشند. این نوع تبعیض می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند استخدام، اعطای وام، مسکن و حتی عدالت کیفری رخ دهد.

۶-۲- جرائم مرتبط با سلاح‌های خودکار

به حداکثر رساندن بهره‌گیری از هوش مصنوعی در جنگ، هدفی نوین نیست. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، اطلاعات نظامی را به‌عنوان «رشته‌ای نظامی که از روش‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، به‌منظور ارائه دستورالعمل و راهنمایی به فرماندهان در تصمیم‌گیری‌هایشان استفاده می‌کند» تعریف می‌نماید. انواع گوناگونی از هوش، شامل هوش انسانی، هوش سیگنال، هوش مکانی و هوش منبع باز، سال‌هاست که بخش مهمی از استراتژی مبارزه مسلحانه، نوآوری‌های تکنولوژیکی و کار اطلاعاتی محسوب می‌شوند. «جاسوسی سیگنال» به عملیات شنود اطلاعاتی اطلاق می‌گردد که از طریق سیگنال‌های الکترونیکی منتقل می‌شوند. «هوش مکانی» اطلاعاتی درباره‌ی فعالیت‌های انسانی بر روی زمین است که از طریق بهره‌برداری و تجزیه و تحلیل تصاویر، سیگنال‌ها یا امضاهای دارای اطلاعات مکانی به دست می‌آید. «هوش منبع باز» به منابع آشکار یا اطلاعاتی اطلاق می‌شود که از منابع در دسترس همگان جمع‌آوری شده و در ارزیابی‌های اطلاعاتی

۳-۱- مسؤولیت سنجی هوش مصنوعی در تحقق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی

هوش مصنوعی، ساخته‌ی دست بشر، فاقد شخصیت حقوقی است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک فرد یا نهاد حقوقی مستقل در نظر گرفت. این بدان معناست که هوش مصنوعی نمی‌تواند مسؤولیت اعمال خود را بر عهده بگیرد، زیرا فاقد درک، احساس مسؤولیت و اراده مستقل است. همچنین، این سیستم‌ها قادر به درک نیت، قصد و ارزش‌های انسانی نیستند و تصمیماتشان بر اساس الگوریتم‌ها و داده‌های ورودی طراحی شده توسط انسان‌ها است. هوش مصنوعی ابزاری در دست انسان است و عملکرد آن وابسته به اهداف، برنامه‌ریزی‌ها و داده‌های انسانی است. بنابراین، مسؤولیت پیامدهای ناشی از استفاده از هوش مصنوعی بر عهده توسعه‌دهندگان، صاحبان امتیاز و کاربران است، نه خود سیستم هوشمند. پیچیدگی‌های الگوریتمی و ساختاری هوش مصنوعی، به‌ویژه عدم شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری، می‌تواند منجر به خطا، سوءاستفاده یا زیان‌های غیرمنتظره شود. این پیچیدگی‌ها، شفافیت و قابلیت توضیح نتایج را کاهش می‌دهند و مسؤولیت‌پذیری در قبال جرائم احتمالی را دشوارتر می‌کنند.

قوانین حقوقی فعلی که بر مبنای شخص حقوقی یا فرد عمل‌کننده استوارند، جایگاه مشخصی برای هوش مصنوعی ندارند. بنابراین، مسؤولیت در جرائم هوش مصنوعی عمدتاً بر عهده افراد یا نهادهای مرتبط قرار می‌گیرد. این وضعیت، نیازمند بازنگری در قوانین است تا بتوان در مواردی که خطای الگوریتمی یا انسانی در طراحی و توسعه سیستم‌های هوشمند رخ می‌دهد، مسؤولیت مشخص و قابل تعهد را تعیین کرد. فقدان توانایی هوش مصنوعی در تشخیص نیت و قصد، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها است. از آنجاکه عنصر نیت در بسیاری از جرائم اهمیت دارد، باید رویکردهای جدید حقوقی ایجاد شود تا بتوان بر اساس عامل انسانی (مانند توسعه‌دهنده یا کاربر) مسؤولیت‌گذاری کرد. علاوه بر این، پیچیدگی‌های الگوریتمی و عدم شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری هوشمند، مسائل اخلاقی مربوط به عدالت، انصاف و حق حریم خصوصی را افزایش می‌دهد. در صورت بروز خطاهای سیستم‌های هوشمند، فهم دلایل بروز آن خطا دشوار است و این موضوع محدودیت‌هایی

در پیگیری‌های قضایی ایجاد می‌کند. در نهایت، فقدان هویت و شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی، مانع از آن می‌شود که بتوان علیه آن شکایت کرد یا آن را مورد تعقیب قرار داد. بنابراین، تمرکز در مورد مسؤولیت باید بر روی انسان‌های مرتبط - توسعه‌دهندگان، مدیران، کاربران و نهادهای حاکمیتی - باشد.

۳-۲- مسؤولیت سنجی کاربر در تحقق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی

بر اساس مبانی فقهی که در ادامه مطرح خواهد شد، مسؤولیت کاربر در تحقق جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۲-۱- قاعده حفظ نظام

ابن منظور (۱۴۰۸ق: ۱۲/ ۵۷۹) در لسان العرب، معانی هدیه، سیره و عادت را برای واژه نظام ذکر کرده و امام علی (ع) نیز در مشورت با عمر پیرامون جنگ با ایرانیان، با توجه به معنای لغوی نظام، بر گردآوری و پیوند آن تأکید فرموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۱/ ۱۳۷)؛ در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) با این مضمون که «اسمعوا و اطیعوا لمن و لاه الله الأمر، فإنه نظام الإسلام» اطاعت از حاکمان الهی را مایه وحدت امت اسلام دانسته و حاکم اسلامی را «نظام الاسلام» خوانده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۳/ ۲۹۸). مفهوم نظام، هم به‌صورت عام و هم خاص به‌کار می‌رود؛ در معنای عام، به سازماندهی زندگی مردم و برقراری نظم و عدالت در جامعه اشاره دارد که «نظام عام یا کلان اجتماعی» نامیده می‌شود و در مفهوم خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گردد؛ گاهی نیز نظام به معنای حدود و ثغور یا کیان سرزمین‌های اسلامی، حکومت یا نظام سیاسی، بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمین و نظام اسلام به کار می‌رود و در متون دینی، برجسته‌ترین مفهوم مورد توجه فقها، «نظام اسلام» است (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۸/ ۳۵).

«نظام اسلام» را سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت آن تعریف می‌کند و هدف نهایی از حفظ نظام در جامعه اسلامی، تحقق عینی دین اسلام و دستیابی به اهداف متعالی آن است. قواعد، جمع قاعده به‌معنای پایه و اساس هر چیز است

۳-۲-۲- قاعده التعزیر لکل عمل محرم

قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» به معنای استحقاق تعزیر برای هر فعل حرام است؛ تعزیر در لغت به معنای نکوهش، یاری رساندن و ضربی کمتر از حد شرعی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/ ۶۸۰۸؛ معین، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۳/ ۲۲۸) و در اصطلاح فقهی و حقوقی، مجازاتی است که نوع و میزان آن مشخص نبوده و به نظر حاکم واگذار شده است (ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز تعزیر را مجازاتی خارج از حد، قصاص یا دیه دانسته که در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین می‌گردد (ماده ۱۸). بر این اساس، هر رفتار شرعاً، قانوناً یا اخلاقاً ناپسند و حرام، مستحق مجازات بوده و این اصل در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی نیز جاری است؛ بنابراین، استفاده نادرست از فناوری‌های هوشمند که منجر به ترویج فساد، ضررهای جانی، مالی، امنیتی یا اجتماعی شود، مستوجب تعزیر کاربر است (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴-۳).

برای مثال، سوءاستفاده از هوش مصنوعی در جرائمی مانند نفوذ غیرمجاز، تهدید یا انتشار محتوای مجرمانه، حرام و مستوجب مجازات متناسب است و تکرار یا تشدید اعمال حرام، مستلزم تشدید مجازات‌ها به منظور بازدارندگی و اصلاح مرتکب است. رعایت این قاعده، علاوه بر مجازات فردی، بر اهمیت اصلاح و تربیت کاربر تأکید دارد و نظام حقوقی موظف است در کنار مجازات، فرد را به سمت رفتارهای صحیح و قانونی هدایت نماید؛ لذا مسئولیت کاربر در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی، تنها پاسخگویی در برابر قانون نبوده، بلکه تعهد به اصلاح و جلوگیری از تکرار عمل ناپسند به منظور حفظ نظم، امنیت و اخلاق جامعه است. در نتیجه، قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» ابزاری مؤثر برای تضمین رعایت ارزش‌ها و حفظ حریم‌های اخلاقی و قانونی در مواجهه با فناوری‌های نوین بوده و مسئولیت‌پذیری کاربر را به صورت پیوسته و استوار تبیین می‌کند.

۳-۲-۳- قاعده لا ضرر

قاعده «لا ضرر» از اصول مسلم فقه اسلامی است که ریشه در حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الدین یا فی الإسلام»

(ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۳/ ۳۶۱). در اصطلاح فقهی قاعده، اتفاق نظری وجود ندارد؛ شهید اول آن را ضابطه کلی فرعی (فقهی) می‌داند که احکام شرعی از آن استنباط می‌شود (ابن مکی عاملی (شهید اول)، بی‌تا: ۱۲/ ۱)؛ برخی آن را حکم شرعی فرعی دانسته‌اند که بر مصادیق خود به نحو انطباق کلی طبیعی بر افرادش منطبق شده و در طریق اثبات چیزی قرار نمی‌گیرد (سبزواری، بی‌تا: ۱۰/ ۱)؛ و عده‌ای نیز آن را از احکام عام فقهی می‌دانند که در ابواب مختلف جریان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۲۳/ ۱). با این تعاریف، حفظ نظام، حکمی کلی شرعی است که احکام جزئی متعددی از آن نشأت می‌گیرند و فقها و مکلفان می‌توانند از آن برای تطبیق احکام جزئی استفاده کنند؛ حفظ نظام به عنوان یک قاعده فقهی، به طور مستقیم بر واجبات زیرمجموعه خود تأثیرگذار بوده، دامنه وسیعی دارد و در تمامی ابواب فقهی قابل اجرا است؛ این قاعده در ابواب گوناگون فقه به کار می‌رود، مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی است، دارای نص خاصی نیست و از منابع مختلف فقهی استخراج می‌شود و در نهایت، شامل حکم واقعی است.

در میان ابواب فقهی، ابواب قضا و دادرسی و سایر ابواب مرتبط، تأکید بیشتری بر حفظ نظام دارند؛ یکی از محققان معتقد است که ایجاد ترس، تعیین مجازات و وعده عذاب، موجب هراس مجرمان، جلوگیری از ارتکاب جرم و پیشگیری از وقوع فساد می‌شود. با تکیه بر قاعده حفظ نظام که هدف اصلی آن حفظ امنیت، نظم و سلامت اجتماعی است، مسئولیت کاربر در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی اهمیت می‌یابد؛ هر فردی که نقش فعال و مؤثری در ایجاد، بهره‌برداری و کنترل سیستم‌های هوشمند دارد و رفتارش به نحوی در وقوع جرم مؤثر است، باید مسؤول شناخته شود، زیرا کاهش مسئولیت کاربر می‌تواند منجر به عدم رعایت مقررات، بی‌نظمی و افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی شود؛ قاعده حفظ نظام، کاربر را ملزم به رعایت ضوابط و مقررات در بهره‌برداری از فناوری‌های هوشمند می‌کند و در صورت تخلف، مسئولیت کیفری بر عهده او خواهد بود؛ در نهایت، قاعده حفظ نظام به عنوان یک اصل کلی در حقوق کیفری و حقوق عمومی، مسئولیت کاربر در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی را تأیید، تقویت و تسهیل می‌کند.

کاربر باید پاسخگوی خسارات وارده باشد تا از بروز آسیب‌های بیشتر و ناآرامی‌های اجتماعی جلوگیری گردد.

۳-۲-۴- قاعده لایبطل دم امرء مسلم

در اسلام، حفظ جان انسان ارزشمندترین وظیفه است. قرآن در سوره مائده آیه ۳۲ می‌فرماید: «هر کس انسانی را از مرگ نجات دهد، گویی همه مردم را زنده کرده است» و در سوره نساء آیه ۹۳ قتل مؤمن را مستوجب عذاب جهنم می‌داند. بر همین اساس، قاعده فقهی «لایبطل دم امرء مسلم» تأکید دارد که خون مسلمان نباید پایمال شود. این قاعده به این معناست که خون، مال و حقوق مسلمانان نباید تضعیف یا مورد تعرض قرار گیرد. هر اقدامی که به ضرر مسلمانان باشد، ممنوع است و در صورت وقوع، باید از آن جلوگیری و مسؤول آن مشخص شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳ / ۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۴ / ۱۷۴). در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی، این اصل مسؤولیت کاربر را تثبیت می‌کند، زیرا استفاده نادرست از فناوری‌های هوشمند می‌تواند منجر به ضررهای جبران‌ناپذیر شود. هدف اصلی این قاعده، جلوگیری از تضییع حقوق افراد است. هر اقدامی که منجر به تجاوز به حقوق دیگران شود، مغایر با این اصل است و کاربر مسؤول آن خواهد بود. اگر کاربری با سوءنیت یا بی‌توجهی، اقدام به طراحی، استفاده یا اعمالی کند که منجر به قتل، خسارت مالی یا دیگر ضررهای غیرقابل جبران گردد، مسؤول است و باید پاسخگوی خسارات وارده باشد. در نهایت، قاعده «لایبطل دم امرء مسلم» تأکید دارد که هر اقدامی که باعث تضعیف حقوق مسلمانان شود، محکوم است و مسؤول آن باید پاسخگو باشد. در جرائم هوشمند، نقش کاربر در کنترل، نظارت و بهره‌برداری صحیح حیاتی است و هرگونه کوتاهی یا سوءاستفاده بر عهده او قرار می‌گیرد.

۳-۲-۵- قاعده مصلحت

مفهوم مصلحت، با عناوینی چون عدم مفسده، ضرورت و منفعت مرتبط بوده و در فقه و حقوق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در زمینه‌های مختلف حقوق اسلامی و فقه جزایی کاربرد دارد؛ مصلحت در اصطلاح فقهی، به معنای پاسداری از مقاصد شرعی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی است. فقهای امامیه، مصلحت را به‌عنوان دلیلی مستقل در کنار قرآن و سنت

دارد (رشتی‌نجفی، بی‌تا، ۴). فخرالدین در «ایضاح الفوائد» ادعا کرده اخبار مربوط به نفی ضرر متواترند (حسینی‌روحانی، ۱۴۱۲ق: ۱۸ / ۳۷۰). این قاعده به معنای منع هرگونه آسیب و ضرر است و بر اساس آن، هر فردی مسؤول جلوگیری از آسیب و جبران خسارات ناشی از اقدامات خود است (مرعشی، ۱۴۲۷ق: ۱ / ۱۹۳). در مورد جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی، قاعده لاضرر نقش اساسی در تعیین مسؤولیت کاربر دارد. استفاده نادرست یا بی‌احتیاطی در بهره‌برداری از فناوری‌های هوشمند می‌تواند منجر به ضررهای جانی، مالی یا امنیتی شود. مفهوم اصلی لاضرر این است که هیچ‌کس نباید سبب ضرر دیگری شود و هر اقدامی که منجر به ضرر گردد، باید جبران شود. بنابراین، اگر کاربر در استفاده، تنظیم یا بهره‌برداری غیرمسئولانه از سیستم‌های هوشمند، اقدامی کند که منجر به خسارت به دیگران شود، مسؤولیت کیفری یا مدنی آن بر عهده او خواهد بود. استفاده بی‌ملاحظه، طراحی نادرست یا کنترل ناپایدار بر فناوری‌های هوشمند می‌تواند منجر به خسارت‌های جبران‌ناپذیر شود.

قاعده لاضرر در کنار قاعده حفظ نظام، بر اهمیت مسؤولیت‌پذیری فرد در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و امنیتی تأکید می‌کند. کاربری که سیستم هوشمندی را طراحی می‌کند و بدون رعایت نکات امنیتی، آن را در معرض هک یا سوءاستفاده قرار می‌دهد و در نتیجه، ضررهای مالی یا جانی به دیگران وارد می‌شود، باید پاسخگو باشد. مسؤولیت هر فرد در صورت وقوع ضرر، نه تنها بر پایه نیت و عمد، بلکه بر پایه رعایت مصالح و مصلحت عمومی است. هرگونه بی‌توجهی به این اصل می‌تواند منجر به مسؤولیت کیفری و مدنی گردد. در حوزه فناوری‌های نوین و سیستم‌های هوشمند، هر کاربر باید با آگاهی کامل و رعایت مقررات، در جهت جلوگیری از ضررهای احتمالی عمل کند و در صورت وقوع ضرر، پاسخگو باشد. بر پایه قاعده لاضرر، مسؤولیت کاربر در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی، به دلیل نقش مستقیم او در بهره‌برداری و کنترل فناوری‌های هوشمند، امری قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. هر اقدامی که منجر به ضرر شود، باید با رعایت اصول احتیاط، مسؤولیت‌پذیری و نظارت همراه باشد و در صورت تحقق ضرر،

این حالت، شخص اقدام کننده مسؤول جبران خسارت است. این دو کاربرد قاعده اقدام، لازم و ملزوم یکدیگر نیستند و با وجود امکان ارجاع هر دو قاعده به معنای واحد «پذیرش خسارت»، تفکیک آن‌ها ضروری است، زیرا مبنای این دو متفاوت است. درحالی که «قاعده اقدام مسقط ضمان» تقریباً مورد اتفاق فقها است. در پذیرش «اقدام به عنوان سبب ضمان» اختلاف جدی وجود دارد و تعداد فقهایی که به آن معتقدند، زیاد نیست (جعبی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق: ۱/ ۱۸۵۴). قاعده اقدام در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی، اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مسؤولیت کاربر باید بر اساس اقدام فعال و ارادی او در طراحی، بهره‌برداری یا استفاده از سیستم‌های هوشمند تعیین شود. کاربر به عنوان عامل اصلی تصمیم‌گیری و تنظیمات در این حوزه، نقش فعالی دارد و هرگونه اقدام او در توسعه و استفاده از هوش مصنوعی، باید مورد توجه قرار گیرد. اگر اقدام او منجر به خسارت یا جرم شود، بر اساس قاعده اقدام، مسؤول است.

این قاعده، مسؤولیت کاربر را پیوسته و متصل می‌داند. به این معنا که اگر فردی سیستم هوشمند را برای اهداف ناسالم طراحی کند و این اقدام منجر به جرم شود، او در طول مسیر توسعه و بهره‌برداری مسؤول خواهد بود. همچنین، قاعده اقدام بر لزوم وجود قصد و اراده در انجام عمل تأکید دارد. بنابراین، اگر فردی بدون قصد و اراده، اقدامی در سیستم هوشمند انجام دهد که منجر به ضرر شود، ممکن است مسؤولیت او کاهش یابد یا منتفی گردد. در نهایت، هر اقدام ارادی و فعال در زمینه هوش مصنوعی، مسؤولیت کیفری و اخلاقی دارد و کاربر باید در هر مرحله، از اقدام خود آگاه باشد. این قاعده، راهنمایی منطقی و اصولی برای تعیین مسؤولیت کاربر در تعامل با فناوری‌های هوشمند است و نقش او را در وقوع یا عدم وقوع جرم مشخص می‌سازد.

۳-۲-۷- قاعده اتلاف

اتلاف، به معنای از بین بردن مال دیگری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۵). قانون مدنی (ماده ۳۲۸) قصد در اتلاف را شرط نمی‌داند. فقهای شیعه، ضمان ید، اتلاف و تسبیب را عوامل ضمان قهری می‌دانند. آیه ۱۹۴ سوره بقره و عبارت

نمی‌پذیرند، اما در عمل از آن به عنوان «علل احکام» استفاده می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۳/ ۷۱)؛ درحالی که فقهای اهل سنت، به دلیل مواجهه بیشتر با دولت‌داری و احکام حکومتی، بیشتر به مصلحت پرداخته‌اند (شاطبی، ۱۴۰۷ق: ۲/ ۱۱۳). حکم حکومتی، حکمی است که ولی جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده و طبق مصالح عمومی مقرر می‌دارد (گرچی، ۱۳۶۹: ۲/ ۲۸۷) و در نظام حقوقی اسلام، احکام بر اساس رعایت مصالح و مفاسد هستند (عوده، ۱۳۷۲: ۷۷/۱). در تدوین قانون مجازات اسلامی، مصلحت در جرم‌انگاری، مبنای مسؤولیت کیفری و واکنش در برابر جرم، بر سیاست جنایی تقنینی ایران تأثیرگذار است. در اجرای احکام جزایی، حفظ مصالح عمومی جامعه در پرتو عدالت و امنیت اجتماعی حائز اهمیت است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸/ ۳۱۸) و در نهایت، اگر اجرای مجازات‌های اسلامی محذوری ایجاد کند و برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد، باید متوقف شود (صدوق، ۱۴۰۱ق: ۴/ ۷۴؛ رستمی نجف‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۴-۲۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۱۵۸؛ عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۰۷-۱۰۶). با استناد به قاعده مصلحت، تصمیمات و اقدامات باید در راستای تأمین منافع و مصالح کلی جامعه باشند و در تحلیل مسؤولیت کاربر در جرائم مبتنی بر هوش مصنوعی نیز کاربرد دارد؛ استفاده مسؤولانه از فناوری‌های هوشمند باید به حفظ و تقویت منافع عمومی و جلوگیری از خسارات فردی و اجتماعی منجر شود؛ بنابراین، هر کاربری که به طراحی، بهره‌برداری یا کنترل سیستم‌های هوشمند می‌پردازد، باید عمل خود را بر اساس مصلحت و خیر عمومی ارزیابی کند، در غیر این صورت، مسؤول خواهد بود.

۳-۲-۶- قاعده اقدام

قاعده اقدام، اصلی فقهی با کاربرد گسترده در حقوق است که فقهای امامیه دو مفهوم متفاوت از آن را مطرح کرده‌اند: اقدام به عنوان عامل ایجاد ضمان و اقدام به عنوان عامل رفع ضمان؛ با این حال، هر دو کاربرد را می‌توان به معنای «پذیرش اختیاری خسارت» برگرداند. تفاوت در این است که گاهی شخص خسارت را در مورد اموال خود می‌پذیرد که در این صورت، مسؤولیتی متوجه طرف مقابل نیست (مراغی، ۱۴۱۷: ۲/ ۴۹۸)، اما گاهی پذیرش خسارت مربوط به مال دیگری است که در

منجر به جرم شود. احساس مسؤولیت، نقش پیشگیرانه دارد و فرد را به رعایت استانداردهای ایمنی و اخلاقی ترغیب می‌کند. آموزش و آگاهی، حس مسؤولیت‌پذیری را توسعه می‌دهد و از بروز جرائم احتمالی جلوگیری می‌کند. اصل بایستگی احساس مسؤولیت، موجب می‌شود فرد نسبت به فعالیت‌های فناوری‌اش احساس تعهد کند و در صورت بروز خطا، مسؤولیت آن را بر عهده گیرد.

۳-۲-۱۰- اصل عدالت

اجرای قوانین نیازمند نهادهای تضمین‌کننده است. قوانین جزایی ضامن حقوق هستند و امنیت و عدالت، لازمه کمال جامعه است. در جرائم هوش مصنوعی، قضاوت عادلانه و تعیین درست مسؤولیت کاربر ضروری است. کاربری که در طراحی یا نظارت بر سیستم هوشمند کوتاهی کند و این کوتاهی منجر به جرم شود، باید عادلانه مسؤول قلمداد شود. مسؤولیت بر پایه میزان تقصیر و رابطه مستقیم با ایجاد آسیب تعیین می‌گردد. در تخصیص مسؤولیت‌ها، شرایط و میزان دخالت هر کاربر باید مدنظر قرار گیرد. محاکمه و جبران خسارت باید بر اساس معیارهای عادلانه انجام شود. اصل عدالت تضمین می‌کند که حقوق همه طرف‌ها به‌طور منصفانه حفظ گردد.

۳-۲-۱۱- اصل جبران کامل خسارت

هرکس ضرر غیرمنصفانه وارد کند، ملزم به جبران خسارت است و نظر عرف برای تأیید جبران‌پذیری کافی است. قاضی باید بر اساس عرف عمل کند. در جرائم هوش مصنوعی، مسؤولیت کاربر باید بر پایه جبران کامل خسارت باشد. اگر فعل یا ترک فعل کاربر منجر به آسیب شود، باید خسارات مالی و جانی را جبران کند. این اصل، نظم را در استفاده از فناوری‌های هوشمند برقرار می‌سازد و انگیزه رعایت قوانین را تقویت می‌کند. حتی اگر خطا مستقیم نباشد، مسؤول باید خسارت را جبران کند تا عدالت برقرار شود.

۳-۲-۱۲- حکم عقل

عقل، نعمتی الهی و منبع استنباط احکام است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۲۰۵). انسان باید بر اساس عقل تصمیم بگیرد و مسؤولیت انتخاب‌هایش را بپذیرد. در جرائم هوش مصنوعی، مسؤولیت کاربر باید بر پایه استدلال عقلانی باشد.

«من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (نجفی، ۱۳۶۷: ۶۰) بر این امر دلالت دارند. اتلاف می‌تواند حقیقی (از بین بردن کلی مال) یا حکمی (از بین بردن مالیت مال) باشد. بنای عقلا نیز بر این است که متلف، ضامن است (سامی، ۱۴۰۰: ۸). در جرائم هوش مصنوعی، کاربر وظیفه دارد از سیستم‌های هوشمند مراقبت کند. کوتاهی در این زمینه که منجر به تلف شود، مسؤولیت ایجاد می‌کند. برای مثال، آسیب‌پذیر کردن سیستم هوشمند و ایجاد سرقت، موجب مسؤولیت است. مسؤولیت ناشی از اتلاف، پیوسته است و هرگونه کوتاهی در هر مرحله، مسؤولیت فرد را به دنبال دارد. کاربر باید کنترل کافی بر سیستم داشته باشد و از تلف جلوگیری کند، در غیر این صورت مسؤول خواهد بود.

۳-۲-۸- قاعده تسبیب

تسبیب نوعی اتلاف است، با این تفاوت که در اتلاف، شخص مستقیماً مال را از بین می‌برد، اما در تسبیب، عمل با واسطه سبب از بین رفتن مال می‌شود (سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۵۷). برای مثال، ایجاد مانع برای تصادف خودرو، تسبیب است. تسبیب از دو عنصر دخالت عمد و اجتماع مباشر و مسبب تشکیل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳/۱۸۱). در صورت اجتماع مباشر و مسبب، مباشر در ضمان مقدم است، مگر در شخص مکره. برخی معتقدند عمل منتسب به مسبب است، مانند دستور فرمانده برای شلیک سرباز (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۸۰). در اتلاف منافع، اگر خریدار کوتاهی کند، مقصر است و خسارت بر عهده متلف است. در جرائم هوش مصنوعی، اگر کاربر با طراحی یا بهره‌برداری نادرست از سیستم هوشمند، سبب آسیب شود، مسؤول است. این مسؤولیت بر پایه رابطه سببی بین فعل کاربر و ضرر است. هر اقدام مستقیم، مسؤولیت‌زا است و هر تأثیر مستقیم، به‌عنوان علت سببی همواره مسؤول است.

۳-۲-۹- اصل بایستگی احساس مسؤولیت

مسؤولیت‌پذیری، تعهد به وظایف و پذیرش نتایج تصمیمات است. فرد مسؤولیت‌پذیر، عملکرد خود را بهبود می‌بخشد و در صورت بروز خطا، برای اصلاح آن اقدام می‌کند. این اصل، اعتماد و حرفه‌ای‌گری را در محیط کار تقویت می‌کند. در حوزه جرائم هوش مصنوعی، کاربر باید مسؤولیت آثار فعالیت خود را بپذیرد. بی‌توجهی در مدیریت سیستم‌های هوشمند، می‌تواند

استانداردهای طراحی برای سیستم‌های هوش مصنوعی به منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی باشند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع است.

سهم نویسندگان: تمامی نویسندگان از سهم برابر برخوردار می‌باشند.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابن مکی عاملی (شهید اول)، محمد (بی‌تا). *القواعد و الفوائد*. قم: کتابفروشی مفید.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸). *لسان العرب*. لبنان: دار الإحياء التراث العربی.
- احمدی، سید علی‌اکبر؛ دارائی، محمدرضا؛ سلامزاده، آرش و جعفری، محمدرضا (۱۳۹۲). «هوش مصنوعی و فرصت‌های کسب‌وکار: شناسایی کارکردهای هوش مصنوعی در ایجاد مزیت رقابتی برای کسب‌وکارهای فناور (مطالعه‌ی صنعت بازی‌های رایانه‌ای)». *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۶(۲): ۷-۲۶.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- جعفری لنگرودی، جعفر (۱۳۸۵). *ترمیم‌وژری حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه* إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- حسینی‌روحانی، صادق (۱۴۱۲). *فقه الصادق علیه‌السلام*. قم: مدرسه امام صادق علیه‌السلام.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

کاربر مسؤول است، زیرا بی‌توجهی یا سوءاستفاده از فناوری‌های هوشمند می‌تواند منجر به جرم شود. جلوگیری از ضرر و حفظ منافع جامعه بر عهده کاربر است. عقل حکم می‌کند که آموزش و کنترل مستمر فناوری‌های هوشمند ضروری است. هر فعل یا ترک فعل که خسارت ایجاد کند، متصل به فرد مسؤول است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مبانی فقهی ذکر شده در این مقاله، مسؤولیت کیفری ناشی از جرائم ثانویه تولید شده توسط هوش مصنوعی بر عهده طراح، آموزش‌دهنده یا به‌کارگیرنده سیستم هوشمند است، زیرا هوش مصنوعی همواره تحت سلطه و هدایت برنامه‌ریزی و دستورالعمل‌های انسانی قرار دارد و مسؤولیت کیفری در صورتی که سوءنیت یا بی‌احتیاطی کاربر در استفاده از هوش مصنوعی مشهود باشد، تقویت می‌شود؛ به‌عنوان مثال، برنامه‌ریزی عمدی یک سیستم هوش مصنوعی برای انجام کلاهبرداری، مسؤولیت کیفری را مستقیماً متوجه برنامه‌ریز می‌کند. این مسؤولیت تنها محدود به عمل مجرمانه نیست، بلکه شامل غفلت، بی‌توجهی به ریسک‌های بالقوه هوش مصنوعی و استفاده از آن بدون درک صحیح از اصول فنی، حقوقی و اخلاقی مرتبط نیز می‌شود. با توجه به پیچیدگی‌های جرائم مرتبط با هوش مصنوعی، ارائه راهکارهایی جامع و چندبعدی ضروری است؛ این راهکارها باید شامل ابعاد قانونی، فنی، آموزشی و همکاری‌های بین‌المللی باشند و می‌توانند شامل اصلاح و توسعه قوانین و مقررات از طریق بازنگری و به‌روزرسانی قوانین موجود و تدوین مقررات جدید برای پوشش جرائم ناشی از هوش مصنوعی، توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های دفاعی با استفاده از هوش مصنوعی برای توسعه ابزارهای دفاعی و شناسایی و مقابله با تهدیدات سایبری، آموزش و افزایش آگاهی از طریق ارتقاء سطح آگاهی عمومی و تخصصی در مورد خطرات و چالش‌های مرتبط با هوش مصنوعی، همکاری‌های بین‌المللی با ایجاد و تقویت همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با جرائم فرامرزی هوش مصنوعی و تدوین اصول اخلاقی و استانداردهای طراحی از طریق ایجاد و ترویج اصول اخلاقی و

مصنوعی در مرحله تحقیقات جرائم بین‌المللی». نشریه تمدن حقوقی، ۷(۲۰): ۲۵۱-۲۷۶.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). مجموعه مقالات حقوقی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار/الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مراغی، میر عبدالفتاح بن علی حسین (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- مرعشی، محمدحسن (۱۴۲۷). دیدگاه‌های نو در حقوق. تهران: نشر میزان.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه و فقه. تهران: صدرا.

- معلوف، لوئیس، ۱۳۶۴، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، بی-جا، دارالمشرق.

- معین، محمد (۱۳۷۲). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). قواعد الفقهیه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع).

- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۷۵). «قاعده اقدام». مجله دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، (۲): ۲۳-۴۲.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام (به تحقیق عباس قوچانی). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.

- ویتیبی، بلی (۱۳۹۶). هوش مصنوعی به زبان ساده. ترجمه حسین مجدفر، آوا بحرانی، بی‌جا.

- رستمی نجف‌آبادی، حامد (۱۴۰۱). «واکاوی مفهوم مصلحت و کاربرد آن در مجازات‌های شرعی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی». نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۲۸): ۷۶-۱۰۲.

- رشتی نجفی، میرزا حبیب‌الله (بی‌تا). کتاب الغصب. بی‌جا.

- سامی، محمدجواد (۱۴۰۰). «تطبیق قاعده‌ی غرور بر قواعد اتلاف، تسبیب و لاضرر در حقوق جزایی ایران». فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱(۲): ۱-۱۲.

- سبزواری، سید عبدالاعلی (بی‌تا). تهذیب الأصول. قم: مؤسسه المنار.

- سرآبادانی، علی و امیر، فهیمه (۱۳۹۷). هوش مصنوعی و سیستم‌های خبره. مشهد: نشر جالیز.

- سرخسی، محمد بن احمد بن ابی‌سهل (۱۴۱۴ق). المبسوط. بیروت: دارالمعرفة.

- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۰۷ق). الموافقات فی أصول الشریعه. بیروت: دارالکتب العلمیه/دار ابن عفان.

- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ محبی، جلیل؛ ریاضت، زینب (۱۳۹۵). «تحول قاعده تعزیر در جرم‌انگاری شروع به جرم». پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۷(۱) (پیاپی ۴۴): ۲۷-۴۸.

- شیرری، عباس (۱۴۰۱). «دیپ‌فیک یا همانندسازی صوتی یا تصویری غیرواقعی در حقوق کیفری». فصلنامه تحقیقات حقوقی و پژوهش‌های حقوقی و فناوری، ۱۶۸-۱۴۳.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۱ق). من لا یحضره الفقیه (علی اکبر غفاری، مصحح). بیروت: دار صعب دارالمتعارف.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی. تهران: میزان.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). فقه سیاسی در اسلام. تهران: امیرکبیر.

- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۲). التشریع الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی. تهران: بی‌نا.

- فریمن، لیندسی؛ زمانه‌قدیم، نوید و عباس‌پور جلالی، آرام (۱۴۰۳). «سلاح‌های جنگ، ابزار عدالت: استفاده از هوش